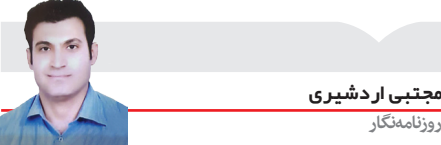


«غلامحسین لطفی» در گفت وگو با «فرهیختگان» از دغدغه‌های این روزهایش می‌گوید

هیچ وقت کم‌دی را دوست نداشتم



مجتبی اردشیری

روزنامه‌نگار

خیلی‌ها او را با «اصلان» سریال «خانه به دوش» به یاد می‌آورند اما ذهن سینمادوستان به خیلی قبل تر از این سریال برمی گردد؛ وقتی که «غلامحسین لطفی» را عموما در نقش‌های مکمل یا فرعی فیلم‌های خاطره‌سازی چون «سرب»، «پرده آخر»، «علی و غسول جنگل»، «جیب‌برها به بهشت نمی‌روند» و... به یاد می‌آورند. اما حالا بهران خانه‌نشینی به سرآغ این بازیگر آمده ووی را در عین آمادگی برای ایفای نقش یا به دلیل ضعف متن یا ارزان خواستن هنر وی، خانه‌نشین کرده است. بازیگری که دکتري افتخاری دارد و سال‌هاست که ترجیح داده در قزوین زندگی کند. با این بازیگر دوست‌داشتنی گفت‌وگویی ترتیب داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

اگر «خفه‌گی» را در سال ۹۵ نادیده بگیریم، شما ۴ سال است که حضوری جدی در سینما و تلویزیون ندارید. مقوله بیکاری بازیگران، چندان پیچیده نیست و در دهه‌های مختلف دیده شده است اما اینکه چطور می‌شود «غلامحسین لطفی» که در سینما و تلویزیون به‌عنوان بازیگر و کارگردان، چند دهه پرکار را پشت سر گذاشته به ناگهان خانه‌نشین می‌شود، خیلی عجیب است؟!

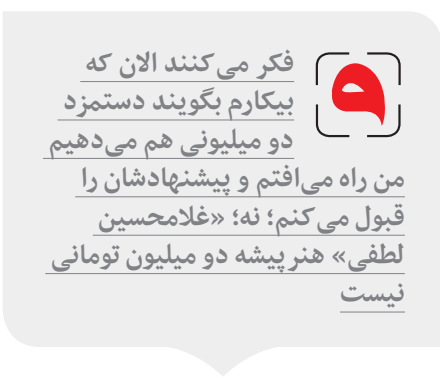
ظاهرا احتیاجی به من نبوده و در این مدت، پیشنهادهای خیلی کمی به من داده شده. آنهایی هم که بوده، چندان چنگی به دل نمی‌زد. وقتی هم که کار می‌کنیم، دستمزدمان را نمی‌دهند. من الان ۱۵۰ میلیون تومان از چند تهیه‌کننده برای کارهای مختلف طلب دارم. نه تنها من، بلکه بقیه همکارانم هم چنین مشکلی دارند. بنابراین ما یا باید برویم و مجانی برایشان کار کنیم یا برای اینکه نصف دستمزدمان را بگیریم، باید کلی بدویم. من دیگر در سنی هستم که حوصله این کارها را ندارم. بعد این چه کاری است که شما با ندادن دستمزد، از بازیگر بهترین بازی را هم می‌خواهی؛ مگر می‌شود؟ مگر می‌شود شما به کارگری پول کم بدهی و بگویی کار خوب بکن؟ این در فرمول کارگری‌اش هم جاافتاده نیست چه برسد به اینکه آدم، با دانش بوده و در رشته خودش دکتري داشته باشد، بعد دستمزدت را هم ندهند یا کم بدهند، دیر بدهند و ادیت کنند. این یک دلیلش است. ضمن اینکه متن‌ها بسیار بدشده. وقتی خلاصه داستان سریال و فیلم را برای من تعریف می‌کنند، خیلی برای من دلچسب نیست و می‌بینم اصلا ارزش کار کردن ندارد. تمام کارهای من از کم‌دی گرفته تا درام، هیچ کدامش را شبیه به‌هم بازی نکردم چون من بازیگری هستم که کم خرجی نمی‌کنم، از کارم کم نمی‌گذارم و برایش زحمت می‌کشم و به همین جهت در خاطر خیلی از آدم‌ها مانده‌ام. خیلی‌هایی که در خیابان من را می‌بینند و می‌پرسند تو چرا نیستی؟ جوابی ندارم، من که نمی‌توانم همه اینها را برای آنها توضیح بدهم. همیشه فکر می‌کنند من تبلی می‌کنم در حالی که بیشتر همکاران من که تحصیلات‌شان مثل من است یا در خانه نشسته‌اند یا مشغول کارهای دیگر هستند که من اصلا کارهای دیگر را بلد نیستم. این فاکتورها سبب می‌شود که تن به کار ندهیم. دست من هم نیست و دلایل خودم را دارم.

پیش‌تر صحبت از پارتی‌بازی در انتخاب بازیگر برای

پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی کردید یا همان مافیای بازیگری. فکر کنم اگر به این اصل اعتقاد داشته باشید، قطعاً بخشی از خانه‌نشینی شما هم به دلیل نبودن در دسته‌ای خاص است؟

بله؛ یک‌سری دوست‌بازی و رفیق‌بازی است که در تمام دنیا وجود دارد که طی آن عموماً رفقای خودشان را برای بازی کردن در پروژه‌ای معرفی می‌کنند. این دیگر بستگی به معرفت و شعور کارگردان دارد که آنها را قبول می‌کنند. الان متأسفانه بسیاری از کارگردانان ما برای انتخاب نقش و کارهای پیش‌تولید، زیاد زحمت نمی‌کشند. همین اندازه که چند آدم جور شود که نقش‌ها را بازی کنند، شروع می‌کنند به فیلمبرداری و اصلا برایشان اهمیتی ندارد که این بازیگر کیست و چکار می‌کند. همین‌که آمد و چند تا دیالوگ را حفظ کرد و گفت، برای آن آقای کارگردان کافی است. خودشان را به دردسر نمی‌اندازند که هنرپیشه انتخاب کنند. البته به من هم زیاد زنگ زده‌اند و پیشنهاد زیاد بوده که البته یا متن ضعیف است یا وقتی متن خوب است و پای قرارداد می‌رویم دستمزد ۷۰ سال پیش را به ما پیشنهاد می‌دهند و مدام می‌گویند تخفیف بده. مرغ کیلویی ۱۴ هزار تومان شده وقتی می‌روی بخری به آن آقا می‌گویی به تو تخفیف دهد و وقتی هم بگویی آیا آن آقا به تو تخفیف می‌دهد؟ من چرا باید در دستمزد تخفیف بدهم؟ من چیزی نمی‌گویم که جای تخفیف داشته باشد.

این پارتی‌بازی‌ها هست حتی خیلی از آقایان هستند که الان نقش‌های من را بازی می‌کنند و معروف هم شده‌اند اما چه کار می‌توانم انجام دهم؟ عده‌ای هم از این‌ راه درآمد دارند. آنها



باعث می‌شوند که خیلی‌ها کم کار شوند. ضمن اینکه لاید اهمیتی ندارم، چرا که اگر اهمیت داشتم حتما کارگردانی پای من می‌ایستاد و می‌گفت من این آقا را می‌خواهم.

البته وقتی به کارنامه‌تان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم شما با نام‌هایی مثل مسعود کیمیایی، مهران مدیری، رضا عطاران، ابوالحسن داودی، سیروس الوند، همایون اسعدیان، کامران قدکچیان، سیروس مقدم و... کار کرده‌اید. کارگردانی که همچنان فیلم می‌سازند اما از شما برای کارهایشان دعوت نمی‌کنند. خب اگر پارتی‌بازی و آشنایی قبلی وجود داشته باشد شما لاقال باید طی سال‌های اخیر در کار یکی از این کارگردانان حاضر می‌شدید؟

من هرگز دوست نداشتم برای گرفتن نقش به کارگردانی تلفن بزنم. خیلی از این کار بدم می‌آید. همیشه هم به شکل محترمانه از من دعوت شده که در کاری بازی کنم. این برای من جالب است که کارگردانان به یاد من نباشند. لاید من برای این آقایان ارزش کمتری داشتم و آنهایی که طی این سال‌ها برایشان بازی

کرده‌اند، بیشتر از من برای آنها ارزش دارند. من آدمی نبودم که رفتار بدی با آنها داشته باشم، همه آنها هم می‌دانند؛ رفتار کاری‌ام، ساعت آمدن و رفتن، بازی کردنم و... هیچ کارگردانی هم به من نگفت فلان کار را بکن تا نقش‌ت را بهتر بازی کنی؛ یعنی اینقدر کاربلد بودم که از او بیشتر بلد باشم. من برای بازی آماده‌ام. یادم هست در زمان قدیم، وقتی بازیگری برای مدتی، حالا به هر دلیلی کار نمی‌کرد یا نمی‌توانست کار کند، کارگردانان برایش در فیلمنامه نقش اضافه می‌کردند، مثلاً آقای «جلال مقدم» یک سال پایش شکسته بود و بازی نمی‌کرد اما بعدها آقای کیمیایی برای او نقش می‌نوشت تا او مشغول کار شود و بابت بازی، دستمزد بگیرد و زندگی‌اش بچرخد و اینکه ما به یاد تو هستیم و فکر نکن حالا که یک سال نبودی، ما تو را فراموش کرده‌ایم. این چیزها دیگر از بین رفته. اینها چیزهای قشنگی است که متأسفانه دیگر وجود ندارد.

البته در تایید حرف شما و در مدیوم تلویزیونی، باید به شکل سریال‌سازی و سریال‌نویسی دهه ۷۰ با امروز اشاره کرد که باید برای آن تفاوت‌های بسیاری قائل شویم و اینکه اصلاً مقوله ساخت سریال به کلی تغییر کرده است.

بله؛ آن زمان خیلی بهتر بود یعنی کارها بیشتر بود و تلویزیون هم بودجه می‌داد. الان من خودم چند طرح برای سریال دارم که سال‌ها پیش به تلویزیون ارائه دادم که گشتند خودت اسپانسر پیدا کن و بیا بساز و ما پخش می‌کنیم. می‌گویم بر فرض هم که اسپانسر پیدا کنیم شما اول او را صدا می‌کنید پول قلمبه را از او می‌گیرید و بعد آن پول را یک‌چهارم می‌کنید و به من می‌گویید برو سریال بساز. این طوری که نمی‌شود، مشکلات بر سر این راه زیاد است. چرا سریال «خانه به دوش» چند ۱۰ بار پخش شده؟ چون هم داستانش خوب بود و هم هنرپیشه‌ها درست انتخاب شده بودند و... اینها همه موثر است. الان همه من را می‌بینند صحبت «خانه به دوش» و چند سریال دیگر را می‌کنند. دیگر از آن سریال‌ها نوشته و ساخته نمی‌شود. مثلاً الان آقای عطاران اصلاً سریال نمی‌سازد و فقط سینمایی بازی می‌کند. خب این کار پول و درآمد بیشتری دارد و همین راه را با جدیت ادامه می‌دهد. الان اگر سریال بسازد کسی بودجه‌اش را می‌دهد و سازمان هم می‌گوید برو اسپانسر پیدا کن و... او حوصله این دردسرها را ندارد برای همین بیشتر سینمایی بازی می‌کند.

شاید یک عامل دیگر هم در وضعیت فعلی شما نقش داشته باشد: «انتخاب اشتباه». مثلاً شما پس از کار به‌شدت پرمخاطب «خانه به دوش»، «پول کثیف» را بازی کردید و سه سال بعدش هم «بایرام» را. در حالی که این انتظار وجود داشت که پس از یک کار موفق، بیشتر دیده شوید. شاید انتخاب‌هایتان در آن مقطع درست نبوده.

ما انتخاب نمی‌کنیم بلکه انتخاب می‌شویم. من که کارگردان را انتخاب نمی‌کنم اما باید این را بگویم که من کار بد انتخاب نکردم. ممکن است در کارهایی که بازی کردم آثار متوسط وجود داشته باشد. بعضی‌ها هم تصادفاً کمتر دیده شده‌اند مانند سریال «شب روباه» که با آقای اسعدیان کار کردم و از هر نظر سریال خیلی خوبی بود منتها یک بار بیشتر نمایش داده نشد آن هم در تایمی بد که دیده نشد در حالی که آن سریال از «خانه به دوش» بسیار حرفه‌ای‌تر است و باید چندین بار بازپخش می‌شد که نشد. این اتفاق‌ها تصادفاً رخ می‌دهد و ناخواسته علیه بازیگر عمل می‌کنند.

من از کسی برای نقش گرفتن خواهش نمی‌کنم. دوست ندارم



به کارگردانان زنگ بزنم و الکی احوالپرسی کنم یا الکی بروم دفترشان ناها بخورم که آنها فکر کنند آدم‌ها نقش بگیرم. من همیشه به این نحو بازی کرده‌ام و کارم هم متوسط رو به بالا بوده. بدشناسی من این بود که گیر کارگردانان نامبروان نیفتادم. مثلاً اگر برای دو کار آقای مهرجویی بازی می‌کردم طبیعتاً شخص‌تر می‌شدم. بعضی‌ها که معروف تر شدند، شانس آوردند که شرایط برای آنها به این شکل رقم خورد. درست است که تلاش خودشان هم بود اما قبلش، موضوع انتخاب است. من بیشتر با کارگردانان متوسط کار کردم. با آقای کیمیایی هم کار کردم اما تقسم در «سرب» خوب نبود.

البته شما با درام آغاز کردید و به کم‌دی رسیدید. کم‌دی خواست شما بود یا اقتضای شرایط و پیشنهادی که به شما می‌شد؟

من هیچ وقت کم‌دی را دوست نداشتم و الان هم دوست ندارم چون مردم ما کم‌دی را جدی نمی‌گیرند و تنها برای تفریح، آن را تماشا می‌کنند. حرف‌هایی که در کم‌دی زده می‌شود و گزش‌هایی را که وجود دارد نمی‌گیرند. البته آنهایی که می‌گیرند تعدادشان خیلی کم است. من کم‌دی را می‌شناختم و از اول هم بازی کرده بودم منتها در کشور ما هنرپیشه در اولین بازی خود دیده می‌شود مثلاً اگر از اول کم‌دی بازی کرده باشد دیگر این انگ کم‌دین روی پیشانی او می‌خورد و بیشتر نقش‌های کم‌دی به او پیشنهاد می‌شود. در درام هم به همین ترتیب. خوشبختانه من در هر دو مدیوم کم‌دی و درام بازی کرده‌ام. دو سه سناریوی



کم‌دی هم دارم که خیلی عجیب و غریب است اما کسی نیست که با سرمایه او، این فیلمنامه‌ها را بسازم.

شما در دهه‌های قبل و در یک بازه ۱۵ ساله، ۳ فیلم ساختید. مشکل بودجه همیشه وجود داشته و مختص شرایط سخت کنونی نیست.

اینکه آن روند را ادامه ندادم را به گردن من نیندازید. من که زنده‌ام و شماره من را هم که همه دارند. لاید به من گفته نشده یا گفته شده اما کنار نیامدیم. من مقصر نیستم و توپ را در زمین من نیندازید. ببنیادید در زمین عواملی که در کشور ما در هر کاری وجود دارند.

اگر می‌خواهید به موردی اشاره کنید که در گفت‌وگو به آن نپرداخته‌ایم، بفرمایید.

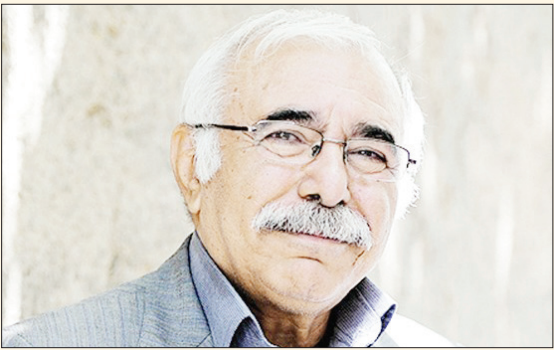
اینکه به یاد من باشند و هر وقت از من خواستند، من آماده بازی هستم. یک آقابیی به من زنگ زده‌و می‌گوید از اینجا بیایید سمنان و یک ماه آنجا بازی دارید و هفت میلیون تومان هم دستمزد بگیرید. شما چه جوابی به این آقا می‌دهدید؟ من قزوین زندگی می‌کنم. بلند شوم یک ماه بروم سمنان و هفت میلیون تومان بگیرم؟ من این هفت میلیون را ۲۰ سال پیش برای سه روز کار می‌گرفتم. از این مواز زیاد بوده که بی‌معرفی می‌کنند. فکر می‌کنند الان که بیکارم بگویند دستمزد دو میلیونی هم می‌دهیم، من راه می‌افتم و پیشنهادشان را قبول می‌کنم؛ نه؛ «غلامحسین لطفی» هنرپیشه و دو میلیون تومانی نیست.

سه‌م اندک وزارت ارشاد از بودجه فرهنگ و گر دشگری



سیدعباس صالحی صبح سوم‌دی‌ماه در جلسه شورای فرهنگ عمومی استان که در محل دفتر امام‌جمعه ارومیه برگزار شد، با اشاره به اینکه سه‌م بودجه فرهنگی با سرفصل‌های فرهنگ، گردشگری و تربیت بدنی از بودجه عمومی کشور در دو سال اخیر حدود ۲/۵ درصد بوده‌است، بیان کرد: «کل بودجه‌بخش فرهنگ، گردشگری و ورزش در سال جاری ۹۱۰۰ میلیارد تومان بوده است و در ردیف بودجه سال ۹۸ نیز از میان ۱۰ ردیف اصلی بودجه‌ای در رتبه هشتم قرار دارد.» او با تأکید بر اینکه باید انتظارات از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی واقع‌گرایانه باشد، افزود: «وزارت فرهنگ با داشتن حدود ۴۵۰ نهاد به صورت مستقل و وابسته در زیرمجموعه خود تنها ۱۵ درصد از بودجه ۹۱۰۰ میلیاردی بخش فرهنگ، گردشگری و ورزش به آن پرداخت می‌شود که نمی‌توان با چنین بودجه اندکی آرمان‌گرایانه عمل کرد.» صالحی موضوع فرهنگ را همچون هوا برای زندگی اجتماعی حیاتی توصیف کرد و گفت: «در جامعه امروز اگر خواهان توسعه پایدار کشور در تمام عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستیم نیاز به توجه ویژه به حوزه فرهنگ داریم؛ چرا که هیچ موفقیتی بدون توجه به بعد فرهنگی و فرهنگ‌سازی آن پایدار نخواهد بود.»

انتقاد یک شاعر از ترانه‌های پخش شده در تلویزیون



محمدعلی بهمنی، شاعر و عضوسابق شورای شعر دفتر موسیقی ارشاد در گفت‌وگو با «تسنیم» با اشاره به اوضاع موسیقی در تلویزیون گفت: «بیشتر این کارها ترانه‌ها و شعرهای (ضعیف) در شورای شعر دفتر موسیقی وزارت ارشاد ر شده‌اند. اما متأسفانه پخش می‌شوند. دوستان من در شورای شعر دفتر موسیقی سعی می‌کنند شعرها و ترانه‌های مبتذل و سخیف را رد کنند اما متأسفانه همین آثار از تلویزیون پخش می‌شوند. ما برای حل این مشکل گفت‌وگوهای بسیاری داشتیم که متأسفانه نتیجه نداد. به همین دلیل هم تصمیم گرفتم که مزاحم کارهای ضعیف نشوم و از شورای شعر دفتر موسیقی کنار کشیدم.» وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «برخی از تهیه‌کنندگانی که در تلویزیون برنامه‌های مختلفی تولید می‌کنند پول می‌گیرند تا میهمان خاصی را دعوت و آثار خوانندگان خاصی را پخش کنند. موسیقی ما داشت راه درست‌تر را طی می‌کرد و از ادبیات غنی و پربراری استفاده می‌شد. الان برخی از خوانندگان و تهیه‌کنندگان می‌گویند که ما از خواسته‌اند از این گونه شعرها و ترانه‌ها (شعرها و ترانه‌های سخیف) استفاده کنیم. اصلاً هم معلوم نیست چه کسی این کار را از آنها خواسته است. جالب اینکه جلوی این مساله هم گرفته نمی‌شود.»

ایلام، گناوه و ایرانشهر صاحب سینما می‌شوند



رضانعلی حیدری خلیلی، معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان سینمایی می‌گوید: «برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش زیرساخت و فناوری‌های سینمایی نیازمند حمایت و صیانت از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این بخش هستیم.» وی با اشاره به اقدامات انجام شده سازمان سینمایی در توسعه سالن‌های سینما در کشور افزود: «در همین راستا احداث سینما توسط بخش خصوصی اولویت دارد و سازمان سینمایی به ازای راه‌اندازی هر پرده سینمایی ۱۶۰ میلیون تومان کمک بلاعوض پرداخت می‌کند تا چرخه اکران سینمایی و دسترسی به سینما در کشور تکمیل شود.» معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان سینمایی یکی دیگر از طرح‌های توسعه‌ای و حمایتی در حوزه سینما را راه‌اندازی سینما امید دانست و بیان کرد: «این طرح در شهرهای بالای ۲۰ هزار نفر جمعیت و با مشارکت شهرداری‌های شهرهای فاقد سالن سینما انجام می‌شود. بیش از ۲۲۰ شهر کشور دارای شرایط راه‌اندازی سینما امید هستند و امکانات محدود و نیازمندی‌های بالا ما را مجبور به انتخاب و اولویت‌بندی می‌کند که در گام نخست سه شهر ایلام، گناوه و ایرانشهر برای ساخت سینما امید انتخاب شد و با مدیریت منابع داخلی دو نقطه دیگر از جمله شهر یانه به این پردیس های سینمایی به صورت پایلوت اضافه شده است.»

نمایش «اتاق تاریک» از ۱۲ دی‌ماه



غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش مصوبات جلسه این هفته شورا را اعلام کرد: «دزد و پری ۲» به کارگردانی حسین قناعت از چهارشنبه ۵ دی‌ماه در سرگروه ایران به جای فیلم «بی‌نامی» به کارگردانی علیرضا صمدی اکران می‌شود. وی با اشاره به اینکه اکران «بی‌نامی» در سینماهای زیرگروه ایران ادامه می‌یابد، بیان کرد: «قرارداد فیلم «سو‌تفاهم» به کارگردانی احمدرضا معتمدی در سرگروه آزادی به جای فیلم «اتاق تاریک» به کارگردانی روح‌الله حجازی در گروه سینمایی آزادی بسته شد. قرارداد فیلم «سندباد و سارا» به کارگردانی غلامرضا آزادی بعد از فیلم سینمایی «بمب، یک عاشقانه» به کارگردانی پیمان معادی در گروه سینمایی ماندانا بسته شد. همچنین قرارداد «قارمون پارک‌شهر» به کارگردانی فلورا سام بعد از فیلم «ماروم» به کارگردانی کمال تبریزی در گروه سینمایی باغ کتاب ثبت شد. فیلم «سو‌تفاهم» ماجرای یک گروگان‌گیری است که در بستر طنز و طرح یک رابطه عاشقانه، ابهاماتی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و در نهایت با گره‌گشایی به یک موضوع مبتلا به درد جامعه مدرن امروز اشاره می‌کند.» گفتنی است، این فیلم که در جشنواره فیلم فجر سال گذشته در پنج رشته کاندیدای سیمرغ بلورین شده بود، در جلب نظر منتقدان فیلم موفق نبود.